

تجدید نظر درباره سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه و شمال آفریقا رویکرد امنیت محور آمریکا در منطقه منا

ایالات متحده رویکردی امنیت محور در سیاست خود نسبت به خاورمیانه و شمال آفریقا، اتخاذ کرده است. دولت های مختلف، حمایت های بی قید و شرطی از رهبران منطقه به عمل آورده اند، البته علی رغم سابقه ضعیفی که در زمینه رعایت حقوق بشر دارند. به دلیل ناراضی های مرتبط با حقوق بشر، اقتصاد و سیاست - که مورد توجه قرار نگرفته اند - خشونت و بی ثباتی، همچنان در منطقه موج می زند. این مسئله مانع تلاش های آمریکا برای نیل به اهداف امنیتی خود در منطقه شده است. به نفع آمریکا است که در سیاست خود نسب به منطقه، بازنگری کند و حقوق بشر را به عنوان ضرورتی برای امنیت ملی اولویت بخشد. که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

ایالات متحده از دیرباز تاکنون، نگاهی امنیتی به خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است. این

کشور مجموعه ای از منافع بنیادین را دنبال می کند؛ مقابله با تروریسم و جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای، صیانت از امنیت منطقه و حمایت بی قید و شرط از متحدان و شرکای راهبردی. برای نیل به این اهداف، ایالات متحده در عرصه قدرت نظامی برخی دولت های منطقه، سرمایه گذاری کرده تا بتواند با تهدید هایی از جمله توسعه طلبی قدرت های خارجی و منطقه ای و گسترش شبکه تروریست-ها مقابله نماید. دولت های قبلی اعم از جمهوری خواه و دموکرات، پذیرفته بودند که ترویج حقوق بشر و اصلاحات دموکراتیک در شرکای خارجی، به تقویت و حفظ منافع آمریکا کمک می کند. ایالات متحده به شکلی غیر منسجم، انواعی از ابزارها را در خاورمیانه و شمال آفریقا برای تحقق این هدف، به کار می گیرد. در برخی موارد، این کشور همکاری نظامی و اقتصادی را مشروط به رعایت حقوق بشر

کرده است. با این حال، دولت های آمریکا، نتوانسته اند رویکردی همسان و منسجم را در سیاست خارجی خود نسبت به اولویت بخشی به حقوق بشر حفظ کنند. بعد از وقوع بهار عربی در سال 2011، رئیس جمهور سابق، باراک اوباما 'سیاستی حقوق بشری و اصلاح محور را در پیش گرفت. در همان سال، او در یک سخنرانی با موضوع سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه و شمال آفریقا، اظهار داشت که «سیاست ایالات متحده، ترویج و گسترش اصلاحات در سراسر منطقه و همچنین، حمایت از انتقال نظام ها به وضعیت دموکراتیک»، به علاوه پیگیری اولویت-های امنیتی در منطقه است. رئیس جمهور سابق، دونالد ترامپ^۱ این نوع از تظاهر را کنار گذاشت و سیاست حقوق بشر و اصلاحات در خاورمیانه را دنبال نکرد. او به رژیم های سرکوبگر چرت و جسارت بیشتری داد، مسئله ای

1. Barack Obama
2. Donald J. Trump

که خطری ثباتی بیشتری را به همراه خواهد داشت. در مقابل، بایدن، مجدداً حقوق بشر را در اولویت سیاست خارجی خود قرارداد. علی‌رغم تلاش‌ها برای تغییر جهت گیری به سمت حفاظت از حقوق بشر در منطقه، رویکرد آمریکا در

1. Biden

قبال خاورمیانه، یکسان باقی مانده است. مصر یک نمونه تمام‌عیار است. این کشور از سال 1947، کمک‌های اقتصادی و نظامی را از ایالات متحده دریافت می‌کند که مجموع ارزش آن‌ها، بیش از 79 میلیارد دلار است. مصر همواره به عنوان یک متحد راهبردی برای

آمریکا در خاورمیانه، به حساب آمده و اکنون نیز یک واسطه صلح و قدرت توازن بخش در منطقه، به شمار می‌رود. اختصاص کمک خارجی تحت تأثیر فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی داخلی و بین‌المللی، قرار گرفته است. در واقع، به سابقه حقوق بشر در مصر، توجه



بسیار کمی شده است. همان‌طور که کمک‌ها به این کشور سرازیر می‌شوند، نظام استبدادی آن، به اعمال نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ادامه داده و زنجیره‌ای از خشونت سیاسی و سرکوب حکومتی را تداوم می‌بخشد، به‌گونه‌ای که استبداد

گرایی بیشتر، در این کشور تثبیت می‌گردد. این مسئله، موجب قدرت گرفتن مقامات سیاسی و همچنین، نهاد نظامی شده است، درحالی‌که شهروندان از حقوق و آزادی محروم می‌شوند.

رژیم مصر به نام مقابله با تروریسم (مسئله‌ای کلیدی برای کمک آمریکا به مصر)، مخالفان سیاسی را در راستای تثبیت حاکمیت و قدرت خود دستگیر می‌کند. در حال حاضر، 60000 زندانی سیاسی در مصر وجود دارد و دستگیری حامیان

حقوق بشر و رهبران مخالفان، همچنان ادامه دارد. برخلاف رژیم های استبدادی گذشته در مصر که تا حدی به جامعه مدنی، آزادی عمل داده بودند (اگرچه صرفاً برای ساکت کردن انتقادات بین المللی)، رئیس جمهور مصر، عبدالفتاح سیسی^۱، برای ساکت کردن ناراضیان و از بین بردن مشارکت مدنی، مصمم به نظرمی رسد. این اقدامات، می تواند کشور را به سمت زنجیره ای از خشونت و ناامنی منطقه ای و بین المللی بکشاند.

پس از حملات اسرائیل به غزه در می 2021، وزیر امور خارجه آمریکا، آنتونی بلینکن^۲ در دیدار عبدالفتاح سیسی، از رعایت حقوق بشر برای شهروندان آمریکایی ساکن مصر سخن گفت؛ اما به سرکوب مردم توسط حکومت مصر اشاره ای نکرد. دولت بایدن تقاضای تخصیص 1.3 میلیارد دلار در قالب تأمین مالی نظامی خارجی برای مصر را مطرح کرد، علی رغم اینکه سازمان های غیردولتی از نادیده گرفتن شرط رعایت حقوق بشر در مورد درخواست کمک نظامی به مصر انتقاد کردند. سرانجام در سپتامبر 2021، وزارت امور خارجه، علی رغم این مخالفت ها، کمک نظامی 200 میلیون دلاری به مصر اختصاص داد. نمونه دیگر، عربستان سعودی است. روابط آمریکا - عربستان بر اساس منافع مشترک، شکل گرفته است؛

مقابله با تروریسم و توسعه نفوذ ایران. عربستان سعودی بین سال های 2015 تا 2019، بزرگ-ترین خریدار سلاح در جهان بود که عمدتاً از آمریکا وارد می شدند. این تسلیحات در جنگ با حوثی های یمن، به کار گرفته می شد؛ جنگی که بدترین بحران انسانی جهان را به وجود آورده است. به علاوه، دولت سعودی همچنان به هدف قرار دادن مدافعان حقوق بشر در خارج از مرزهایش، ادامه داده و از مقابله با تروریسم برای ساکت کردن مخالفان و منتقدان خود، سوءاستفاده می کند. بایدن در جریان رقابت های انتخاباتی، وعده داد تا روابط با عربستان سعودی را دوباره بازسازی نماید و مسائل حقوق بشری را محور سیاست آمریکا قرار دهد. با این حال، وقتی نهاد های اطلاعاتی آمریکا اعلام کردند، ولیعهد سعودی محمد بن سلمان^۳، فرمان قتل روزنامه نگار عربستانی جمال خاشقچی را «تأیید» کرده است، دولت بایدن او را تحریم نکرد. انتظار می رود که دولت بایدن، سلاح بیشتری به عربستان سعودی بفروشد؛ مانند تسلیحاتی که برای تجهیز هلی کوپترها استفاده می شود، موشک های زمین به زمین، سلاح های سبک و تجهیزات الکترونیک. سلاح های هوا به زمین، بخشی از توافق نیستند تا بدین وسیله از کشتار

بیشتر شهروندان یمن، خصوصاً کودکان جلوگیری شود.

منازعات، همچنان در خاورمیانه شعله ور است و شبکه های تروریستی در حال گسترش بوده و در بسیاری از مناطق، پایگاه ایجاد کرده اند. در نتیجه، «آمریکا بخش قابل توجهی از تأمین مالی مربوط به کمک های نظامی خارجی را فقط به سه کشور اختصاص داده است؛ اسرائیل، مصر و اردن». این سه کشور، 81 درصد کمک 6 میلیارد دلاری ایالات متحده در سال 2019 را دریافت کردند. این مداخله هزینه بر نه باعث پیشبرد منافع امنیت ملی آمریکا شد و نه به ایجاد ثبات در منطقه کمک کرد. نپرداختن به نارضایتی ها و شکایت های اقتصادی، سیاسی و حقوق بشری، زمینه مناسبی برای گروه-های رادیکال فراهم می کند تا افراد را جذب کنند. مثلاً، نیروهای امنیتی عراق که توسط آمریکا، حمایت شده و آموزش دیده اند، نقض های مهلک حقوق بشری را تقریباً با مصونیت کامل مرتکب شده اند. با کم رنگ شدن اعتماد میان دولت عراق و مردمش، داعش، توانست قدرت بگیرد که نتیجه آن هم اشغال موصل توسط این گروه در سال 2014 بود.

منازعات منطقه ای، مانعی بر راه منافع امنیت ملی آمریکا بوده است، به عنوان بحران هایی که به فراتر از مرزها سرایت می کنند. استمرار

3. Mohammad bin Salman

1. Abdul Fatah el-Sisi

2. Anthony Blinken



کمک های نظامی و اقتصادی بدون توجه به ریشه های بی ثباتی منطقه، آتش مناقشات را شعله ور نگه داشته و زنجیره بی پایان خشونت را مستحکم تر می کند. زمان آن رسیده است که آمریکا نسبت به سیاست خارجی خود در قبال خاورمیانه و شمال آفریقا، تجدید نظر کرده و متوجه باشد که احترام به حقوق بشرونیل به امنیت در تضاد با یکدیگر قرار ندارند، بلکه دو ضرورت هستند که متقابلاً یکدیگر را تقویت می کنند. اتخاذ سیاستی در خاورمیانه و شمال آفریقا - که ملاحظات امنیتی و حقوق بشری را مورد توجه قرار دهد - همسو

با منافع آمریکا است. شروع این کار با متحد ساختن نهادهای مدنی و نظامی، با هدف شکل دادن به یک رویکرد واحد است. این رویکرد از توسعه نهادهای قوی که می توانند از حکومت قانون صیانت و از حقوق بشر در کشورهای شریک دفاع کنند، پشتیبانی و حمایت می کند. منافع امنیتی و اقتصادی باید در شرایط برابر با اولویت های حقوق بشری در نظر گرفته شوند؛ این کار، مستلزم همکاری نهادهای مختلف است تا به جای انزوا، با کمک یکدیگر، راهبردهایی مشترک برای کشور تدوین کنند. همکاری مؤثر میان وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و

آژانس توسعه جهانی ایالات متحده^۱ - که رویکردها در قبال حقوق بشر و توسعه و امنیت پایدار را بهتر هم سومی کند - می تواند، منشأ بی ثباتی در منطقه را از بین ببرد. تأکیدی منسجم بر حقوق بشر در گفتگوهای دوجانبه و چند جانبه نهادهای آمریکایی، شروع خوبی محسوب می شود.^۲

۱. U.S. Agency for International Development

۲. منبع:

<https://gija.georgetown.edu/2021/10/28/rethinking-u-s-foreign-policy-for-the-middle-east-and-north-africa/>